

سهم زنان از مدیریت شهر تهران

یکبار جزئی اصلاح‌طلب، موضوع سهمیه‌بندی در پست‌های خود را برای زنان مطرح کرد و این بار موضوع در شورای شهر تهران برای استفاده از توانمندی زنان در مباحث محیط‌زیست و ارتقای سلامت شهری مطرح می‌شود. مباحث مطرح‌شده در جلسه علنی دهم اردیبهشت شورای شهر درباره تبصره چهار نشان می‌دهد که در ایران کوبی برعکس هند، سیاستگذاری‌ها از آنچه در بدنه جامعه رخ می‌دهد، عقب‌تر است. مخالفان تبصره چهار که قایل به سهمیه ۵۰درصدی برای حضور و مشارکت زنان در مدیریت شهری بود، دو استدلال مهم داشتند که من این دو استدلال را گفتن«جنس لطیف» و گفتن«مسابقه شایستگی» می‌نامم. در گفتن«جنس لطیف» در مقابل فراهم کردن زمینه مشارکت اجتماعی- سیاسی زنان با رزمی حمایتی ونامودی می‌شود که امور اجتماعی و سیاسی از جنس امور خشن و کنیف است و چون زنان لطیف‌تر از آئی هستند که به کار کنیف، سطح پایین و آلوده اجتماعی وارد شوند نباید برای آنان در زمینه‌امور عمومی سهمی قایل شد. ناگفته نماند که گاه جنس لطیف، تعبیر تعارف‌آمیز برای موجودی نادان و ناتوان است. این گفتن همیشه زنان را در بهترین حالت همچون مروری‌دی در صدف تاقی کرده و با دادن امتیازات و تزئین که آنها امتناع از تقسیم‌قدرت را در لطف‌های از حمایت‌های پدرسالارانه پنهان می‌کنند.این استدلال در اغلب موارد با کار بی‌تأثیری کردن ماجراها سعی می‌کند یک مطالبه سیاسی را شوخی جلوه داده و چشم بر تغییرات و واقعیت‌های اجتماعی- اقتصادی زنان ببیشد. باید به مدعیان این استدلال گفت چه نخواهید و چه نخواهید به یمن سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر، دیگر از آن جنس لطیف نادان اثری باقی نمانده است. زنان شهری دیگر موجوداتی سخت‌جان و آگاه هستند. اگر کسانی که بر کرسی شورای یک شهر بزرگ تکیه زده‌اند، نمی‌توانند واقعیت زنان جوان کارگر در کارگاه‌های کوچک و مخفی شهری، واقعیت باها و نگاه خسته زنان فروشند‌های که روز تمام شهر را در می‌پزدند تا لقمه نانی به دست آورند، واقعیت عدم رعایت شأن زنان در محیط‌های اداری آراسته،دستمزدهای ماهی ۹۰هزارتومانی در همین شرایط اقتصادی، آماده‌شدن‌های عجولانه و بدبود‌های زن‌های بجه‌ب‌ب‌ل در صبح‌های شلوغ متروها و اتوبوس‌ها و واقعیت صورت‌های مستحاصل زنان که به زور رنگ و لعاب درم‌اندگی خود را انکار می‌کنند و-ر-ا ببینند،نمی‌تواننداین واقعیت را ببینند که زنان طبقه متوسط شهری در همه شهرهای بزرگ به‌خصوص در شهری مانند تهران دیگر به دلیل برخورداری از دانش و تحصیلات و به‌دلیل جنگیدن در جنگی نابرابر در حوزه اقتصاد،هم آگاه شده‌اند و هم سخت‌جان، اگر نمی‌توانند همه این‌ها را ببینند، کافی است به درون خانه‌های خود نگاهی بیندازند تا ببینند که حتی در خانه‌هایشان هم از آن«جنس لطیف» و از آن موجود بی‌دست و با و سربه‌راهی که فقط به کار غزل‌های قدما می‌خورد، دیگر اثری نمانده است. دست همه برای قرار از تقسیم قدرت به استدلال‌های اراسته‌تری چنگ می‌زنند؛ شایسته‌سالاری، تخصص و کارآمدی این گروه تصور می‌کنند که شایستگی چیزی است که همه آدم‌ها چه زن و چه مرد برای به دست آوردن‌ش به یک اندازه شانس دارند. آنها خود را طرفدار اصل شایسته‌سالاری نشان می‌دهند و اینکه هر که شایسته‌تر است امتیاز داشته باشد. این استدلال البته مثل استدلال قبلی کمی هم رنگ تعارف می‌گیرد. این استدلال نیز چشم بر شرایط نابرابری می‌بندد که زنان در آن مجبور به رقابت هستند. این واقعیت که زنان و مردان در جامعه ایرانی بر یک خط مسابقه نیایسته‌اند؛د واقعیتی را که زنان گاهی حتی در ساختارهای حکم- بر محیط‌های روشنفکری و آکادمیک هم به‌خوبی درک و لمس می‌کنند چه برسد به سطوح پایین‌تر- فعالیت‌های اجتماعی زنان به‌علاوه سیاست‌های اجتماعی- اقتصادی دولت که به نام حفظ و تکریم خانواده و امنیت جامعه، اولویت تحصیل و اشتغال را به مردان می‌دهد و زنان را روزبه‌روز از محیط‌های اجتماعی و عمومی عقب می‌راند، چگونه ممکن است خط مسابقه واحدی برای زنان و مردان فراهم آورده باشد که بتوان به اتکای آن استدلال کرد که هر که شایسته‌تر از امتیاز بیشتر برخوردارتر، سواى این دو استدلال که در همه مقاطعی که قرار است سهمی به زنان واگذار شود ترجیع‌بند تکراری امتناع از تقسیم قدرت است، نکته مهم دیگر نگاه ارایه‌دهندگان این طرح است؛ نگاهی که به تحلیل جامعه‌شناسختی از تغییرات اجتماعی- اقتصادی جامعه شهری و از تحلیل تعداد چشمگیر زنان تحصیل‌کرده بیکار که ظرفیت بی‌نظیر کار اجتماعی در سطوح محلی را با خود به انزوا برده‌اند، مجهز نبود؛ نگاهی که سعی کرد بیشتر به شیوه سنتی استدلال با تکیا به متون مقدس، به‌جای استدلال بر سر حقایق یک تحول و نیاز اجتماعی موضوع را مطرح کرده و از آن دفاع کند در جلسه شورای شهر بزرگی مانند تهران با فرصت‌های مدیریتی و اجرایی وسیع و در میان موافقان و مخالفان تبصره چهار، زنان جامعه شهری امروز حضور نداشتند. زنان سخت‌جان و کوشنده امروز جامعه شهری که در چنبره سیاستگذاری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روزبه‌روز بیشتر گرفتار می‌شوند و ظرفیت آنها تحلیل می‌رود و به هیچ انگاشته می‌شوند در جلسه شورای شهر تهران غایب بودند. چه زنان توانا و تحصیل‌کرده‌ای که در بیکاری و افسردگی روزگار می‌گذرانند و جامعه استفاده‌ای از آنان نمی‌کند و چه آنها که تنها با یا مردان زندگی خود در تحمل فشار زندگی سپیم می‌شوند اما همچنان بر زندگی از کرده‌های آنان بزرگ‌تر است و بدون هیچ احساس ارتقایی در زندگی شخصی و اجتماعی خود معنا و حق خود به شهر و زندگی را به‌رور از یاد می‌برند. جای همه زنان توانمند جامعه شهری در میان نمایندگان‌شان در شورای شهر خالی بود تا این نیاز به مشارکت در اداره شهر خود بگویند و از تحول انجمن‌های که آنان را شایسته‌ست چنین مشارکتی کرده‌است و از توانایی بی‌نظیر جان‌فروشی، نهادهاسی، ایجاد اعتماد در سطوح محلی، از حق خود به شهر خود بگویند و از اینکه کرسی‌های تصمیم‌گیری در محله و شهر خودشان، هب‌های نیست که بشود چانه زد که یا شایستگی دریافت آن را دارند یا نه، بلکه حق آنهاست. حقی که زندگی در شهر برای آنها ایجاد کرده است،حق به شهر.

شرق: همایش تکریم مقام استاد به شکرانه احیای دانشگاه علوم پزشکی ایران در سالن همایش‌های رازی در حالی برگزار شد که هنوز دانشجویان از احیا راضی نیستند و کارمندان هم چندان رضایتی به بازگشت ندارند. البته در این جشن چند روایت از احیا و یکی، دو گله وجود داشت. محمدحسن طریقت‌منفرد، وزیر بهداشت روایتی دراماتیک از ماجرای احیای دانشگاه علوم پزشکی ایران داشت. او گفت: در روز اول کاری خود در سال ۹۲ زمانی که رنج دانشگاه علوم پزشکی ایران را که به آنها تحمیل شده بود دیدم سریعاً تصمیم گرفتم این احیا انجام شود تا منشا خیر و برکت برای دانشگاهیان و مردم باشد.

البته طریقت‌منفرد تا پیش از این گفته بود که برخی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران از او خواست‌اند تا دانشگاه احیا شود و البته نظر او هم نبوده و شورای گسترش آموزش پزشکی به آن رای داده است، اما اکنون می‌گوید خودش تصمیم گرفته دانشگاه ایران را احیا کند. اما مراسم احیا یک مهمان دیگر نیز داشت؛ دکتر محمدرضا منصوری، رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران. او از بدرفتاری برخی استادان نسبت به دانشجویان گفت و از حذف عنوان دانشگاه علوم پزشکی تهران از مهر رزیدنت‌ها، او گفت: در حال حاضر برخی بیمارستان‌ها عنوان دانشگاه علوم پزشکی تهران را از روی مهر رزیدنت‌ها برداشته و مهر ایران را به‌جای آن گذاشته‌اند. این در حالی است که چون دانشگاه ایران ردیف بودجه‌ای ندارد بیمه پول نسخه‌ها را نمی‌دهد و درآمد بیمارستان‌ها مختل می‌شود. منصوری همچنین گفت: متأسفانه شاهد هستیم برخی از استادان در دانشگاه علوم پزشکی ایران بین دانشجویان تهران و ایران فرق قایل می‌شوند و مطالبی را عنوان می‌کنند که در شأن آنها نیست. ما به دانشگاه ایران قول همکاری دادیم و وظیفه داریم که به استادان آنها کمک کنیم و سنگ‌اندازی نمی‌کنیم و دوست داریم به جایگاه بهتر از قبل برسند اما چنین اتفاقاتی در شرایط فعلی درست نیست.

منصوری البته احیای دانشگاه علوم پزشکی ایران را از تصمیمات مسوولان نظام دانست؛ مسوولان نظام تصمیمی را برای احیا گرفته‌اند و ما باید در جهت آن حرکت کنیم. به گفته رییس دانشگاه علوم پزشکی ایران، در صف مدیریت، مسوولان دانشگاه علوم پزشکی

مقتضیان ورود به مقطع فوق‌لیسانس هفته آینده نتایج نهایی آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۲ را دریافت می‌کنند. اما تنها ۱۲/۸ درصد آنان شانس نشستن بر کرسی‌های فوق‌لیسانس در دانشگاه‌ها را دارند. از مجموع کل ۸۹۶هزار و ۴۴ داوطلب ورود به کارشناسی‌ارشد برای سال ۱۳۹۲ تنها ۸۲هزار و ۵۳۵ داوطلب، معادل ۱۲/۸ درصد کل ثبت‌نام‌کنندگان در دانشگاه‌ها پذیرش می‌شوند؛ مساله‌ای که نشان می‌دهد وعده‌های دولت و وزارت علوم برای توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های کشور در حد حرف مانده و منجر به عملی برای افزایش میزبان پذیرش در مقطع کارشناسی‌ارشد نشده‌است.

در همین رابطه رییس سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص ظرفیت پذیرش دانشجو در آزمون کارشناسی‌ارشد ۹۲ گفت: در این آزمون بین ۱۱۰ تا ۱۱۵هزار نفر پذیرفته خواهند شد. ابراهیم خدایی اضافه کرد: تا صبح امروز (دیزور) در پورتال سازمان سنجش تعداد ۹۰هزار ظرفیت پذیرش دانشجویان کارشناسی‌ارشد از سوی دانشگاه‌ها اعلام شده‌است.

وی با بیان اینکه تعدادی از این ظرفیت‌ها نیز خارج از پورتال اعلام شده‌اند، ادامه داد: با احتساب نزدیک به ۲۰هزار دانشجوی استعداد درخشان و پذیرش دانشجو در مرحله تکمیل ظرفیت، بیش‌بینی می‌شود بین ۱۱۰ تا ۱۱۵هزار دانشجوی کارشناسی‌ارشد برای سال تحصیلی آینده پذیرفته شوند. رییس سازمان سنجش یادآوری کرد که دانشگاه‌ها می‌توانند

لیلا رزاقی: رباط کریم، شهری در حاشیه جنوبی کلاشهر تهران است. شهری کارگرنشین و دور از مرکز. با گشتی کوتاه در سطح شهر می‌توان فهمید که نیازهای رفاهی و امنیتی مردم این منطقه در سطح مطلوبی قرار ندارد. به گفته اهالی این منطقه، گاهی خلاف‌های پنهانی در گوشه‌و کنار شهر به‌ویژه شب‌ها، امنیت را از آنها سلب کرده است. اما اینجا هم مثل هر شهر دیگری است و با همت و حرکتی می‌توان همه‌چیز را از نو ساخت و دنیایی بهتر را برای زیستن رقم زد.

چند سالی است که موسسه غیردولتی «مهرآفرین»، در راستای اهدافی چون تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های بی‌سرپرست، خودسرپرست و بدسرپرست، اعطای کمک‌های مالی، عالمانعه به خانواده‌های تحت پوشش، ایجاد تسهیلات آموزش و اشتغال برای خانواده‌های یادشده، نگهداری شبانه‌روزی از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست

گفت‌وگو با حسن فتحی، کارگردان:

بهترین شیوه کمک‌رسانی

چند ماه پیش بود که شبکه سه سیما، سریال «زمانه» را به کارگردانی حسن فتحی، روی آنتن برد که در بخش‌هایی از این سریال اشار‌های به وضعیت کودکان کار و خیابان شده بود. در حاشیه مراسم گفت‌وگویی هم با حسن فتحی انجام دادیم که همراه با جمعی از عوامل و بازیگران زمانه به محل برگزاری مراسم آمده بودند:

چ به نظر شما، این رویکرد توانمندسازی مددجویان اجتماعی می‌تواند در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی موثر باشد؟
در موثربودن این رویکرد شکی نیست. در واقع چنین مرکزی تلاشی می‌کنند کسانی را که دست یاری به سمتشان دراز می‌کنند در مواجهشدن با استرس‌ها و مشکلات زندگی توانمند کنند و به نظر من این بهترین شیوه کمک‌رسانی به نیازمندان است. اما نکته مهم این است که در کنار این مراکز که با هزینه شخصی و انگیزه‌های فردی شکل می‌گیرند، سایر نهادهای رسمی و ذیربط نیز باید ورود کنند. نهادهایی مانند بهزیستی و شهرداری و مراکز وابسته به این نهادهای باید با بودجه‌هایی که در اختیار دارند قطعا در این زمینه قدم‌های بیشتری بردارند ولی متأسفانه گاه خیلی از این نهادهای ظرفیتی را که در وهله اول به عهده آنهاست فراموش می‌کنند. این مراکز باید علاوه بر تشویق مراکز که با هزینه‌های شخصی اداره می‌شوند به کمک و یاری آنها شتافته و

جامعه

شکرانه احیای دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد

وزیر بهداشت: رنج «ایران» را دیدم و سریع تصمیم گرفتم

ایران و تهران و هیات‌ریسه برای اجرای برنامه‌ها نفاهم دارند، چراکه بحثی وجود ندارد. اما زمانی که مصوبات در حد اجرا می‌آید به مشکل برمی‌خوریم چون تصمیمات جدید در مسوولان رد‌ه‌بالا به خوبی هماهنگ می‌شود اما در بخش‌های پایینی این هماهنگی وجود ندارد.

او گفت: می‌توانیم عنوان دانشگاه علوم پزشکی تهران را از روی مهرها برداریم اما نیاز به اقدامات جزئی وجود دارد که به دلیل اینکه در زمان حساس و بحرانی قرار داریم ممکن است یک اقدام کوچک بحران‌آفرین شود. منصوری گفت: عجله‌ای که ناشی از احساس باشد را باید کنترل کنیم. تا تاریخ ۳۱ تیرماه دانشگاه علوم پزشکی تهران باید عهده‌دار مدیریت آموزشی باشد و وقت انتقام‌گیری نیست. نزدیک به انتخابات ریاست‌جمهوری هستیم و ایجاب می‌کند جو آرامی داشته باشیم و امیدوارم مجلس و معاونت مدیریت و راهبردر ریاست‌جمهوری بزودی ردیف بودجه‌ای را تعریف کنند.

همچنین مسعود اعتمادیان، رییس دانشگاه علوم پزشکی ایران که در دوره ریاست باقر لاریجانی در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رییس بیمارستان

امام خمینی (ره) شده بود، گفت: مسوولیت‌های آموزشی تا ۳۱ تیرماه به عهده دانشگاه علوم پزشکی تهران است و دانشجویان ورودی ۹۰ و ۹۱ مدرک خود را از تهران می‌گیرند. دانشگاه علوم پزشکی ایران معتقد است امکانات درخواست‌شده دانشگاه تهران را بدون منت در اختیارشان بگذارد و در مقابل مسوولیت و مدیریت آموزشی ورودی‌های ۹۰ و ۹۱ تا زمان فارغ‌التحصیلی با دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

یکی دیگر از سخنرانان مراسم، بهرام عین‌اللهی، معاون آموزشی وزیر بهداشت بود. او ادغام را باعث ناراحتی استادان دانشگاه علوم پزشکی ایران دانست: ادغام دو دانشگاه علوم پزشکی تهران و ایران که در دو سال و نیم گذشته رخ داد باعث ناراحتی استادان شد و نه فقط دانشگاه علوم پزشکی ایران بلکه دانشگاه‌های دیگر نیز از این اتفاق متاثر شدند.

معاون وزیر گفت: دانشگاه علوم پزشکی ایران با

سابقه ۴۰ساله مولود انقلاب بوده است که در بسیاری

از حوزه‌ها از جمله پرستاری و توانبخشی پیش‌از سایر

دانشگاه‌ها بوده و فکری می‌کنم با شرایط امروز این دانشگاه

سابقه دیرینه خود را ادامه دهد.

ثبت‌نام‌کنندگان در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۲ است. همچنین در میان داوطلبینی که در این آزمون جذب دانشگاه‌ها می‌شوند، سهم دانشگاه‌های دولتی روزانه ۴۳درصد، دانشگاه‌های دولتی شبانه ۱۹درصد، نیمه‌حضوری ۹/۰درصد، پیام نور ۱۰درصد، غیرانتفاعی ۴درصد و بین‌الملل ۱/۸درصد است.

ظرفیت پایین دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجویان مهندسی و علوم پایه
از سوی دیگر سهم پایین دانشگاه‌های کشور برای جذب دانشجویان کارشناسی‌ارشد در شرایطی است که از میان همین سهم اندک، رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی سهم کمتری در مقایسه با رشته علوم انسانی دارند به طوری که ظرفیت دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجویان ارشد سال ۹۲ در گروه علوم انسانی ۳۷هزار و ۱۵ نفر معادل ۴۴درصد از کل ظرفیت‌هاست اما در علوم پایه میزان ظرفیت ۱۶هزار و ۲۵۱نفر معادل ۱۹درصد از کل ظرفیت‌ها و در زیرگروه فنی و مهندسی میزان ظرفیت ۲۰هزار و ۳۳۷نفر معادل ۲۵درصد از کل ظرفیت‌هاست که نشانگر سهم بالای علوم انسانی و سهم کمتر رشته‌های فنی و مهندسی و علوم است. سهم اندک رشته‌های علوم مهندسی و علوم پایه در حالی است که میزان تولید علم در این زیرگروه‌های آموزشی در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا بیش از سایر رشته‌هاست و به طور معمول دانشگاه‌های مطرح دنیا سعی در توسعه تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی دارند.

در «رباط کریم» گشایش یافت

سرپناه برای کودکان کار و مادران بدسرپرست

و بررسی آسیب‌شناسایی اجتماعی مسایل مبتلا به کودکان کار و خیابان، با حمایت بخش خصوصی و با کمک نیروهای داوطلب، اقدام به تأسیس مراکز برای کمک به این کودکان در بسیاری از نقاط کشور نموده است و اکنون با ایجاد مراکز که جهت اسکان موقت این مددجویان تحت‌پوشش خود دایر نموده قصد دارد روند بهبود و بازگشت مجدد آنها را به جامعه هموارتر سازد. پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت امسال، آیین گشایش نخستین سرپناه این موسسه با نام«چمال حق» با حضور بانیان تأسیس این مرکز، صاحبان صنایع، جمعی از خیرین و نیکوکاران استان، اهالی هنر و عوامل سریال زمانه، اعضای شورای‌شهر رباط کریم و گروهی دیگر از مسوولان برگزار شد.

چنین سالی است که موسسه غیردولتی

«مهرآفرین»، در راستای اهدافی چون تحت پوشش

قرار دادن خانواده‌های بی‌سرپرست، خودسرپرست و

بدسرپرست، اعطای کمک‌های مالی، عالمانعه به

خانواده‌های تحت پوشش، ایجاد تسهیلات آموزش

و اشتغال برای خانواده‌های یادشده، نگهداری

شبانه‌روزی از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست

فاطمه دانشور مدیرموسسه «مهرآفرین»:

بهبود وضعیت معیشت کودکان کار

هدف این مجموعه از راه‌اندازی شعب مختلف در سطح کشور چیست و اصولاً تکثر این گونه مراکز که به مددجویان اسکان موقت می‌دهند چقدر می‌تواند در بهبود وضعیت کودکان کار و خیابان موثر باشد؟

هدفی که از راه‌اندازی چنین مراکز در شهرهای دیگر دنبال می‌کنیم در راستای اهداف کلی این مجموعه؛ مانند تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های بی‌سرپرست، خودسرپرست و بدسرپرست، ایجاد تسهیلات آموزشی و اشتغال‌زایی برای این خانواده‌ها، ارتقای فرهنگ و بهداشت در درمان خانواده‌های تحت پوشش، حمایت از کودکان کار و خیابان و کمک به بهبود وضعیت معیشتی و در مواردی اسکان آنهاست و همواره قصدمان این بوده که با شناسایی و تحت‌پوشش قرار دادن این کودکان از بزهکاری و تبدیل آنها به کودکان کار و در موارد بدتر کودکان خیابانی پیشگیری کنیم.
تاکنون این تلاش‌ها چه نتایجی دربر داشته و چند درصد این افراد به شرایط نسبتاً مطلوب رسیده‌اند؟
در حال حاضر موسسه ما جامع‌های نزدیک به چهارهزار۷۰۰ مادر و کودک را تحت پوشش دارد اما با وجود این روند بهبود این افراد به‌کندی پیش می‌رود و در این میان سالانه تنها حدود ۲۰۰ نفر بهبودیافته

نعمت‌زاده: هزینه پروژه‌های نفتی حداقل ۲ برابر شده است

لا از بحث بنزین فاصله بگیریم. به تازگی شکل‌های تازه‌ای از قالب‌های حقوقی در صنعت‌نفت قرار است اجرا شود. مهم‌ترین آن بحث رابطه شرکت و وزارت نفت با همدیگر است. این شکل تازه آیا موجب تحرک بیشتر در نفت و انعقاد قراردادهایی با شکل تازه خواهد شد؟ آنچه که قانون برنامه تأکید کرده است این است که اکتشاف و حفاری نفت از انحصار شرکت نفت در بیاید و بخش خصوصی هم وارد آن شود البته با حفظ مالکیت وزارت نفت بر مخزن. یعنی به جای اینکه شرکت نفت برود اکتشاف و حفاری کند که کجا نفت و گاز است، بخش خصوصی هم این کار را بکند، اینکه شرکت نفت مستقل باشد برای قبل از انقلاب است متأسفانه قانون نفت درست اجرا نشده است. اعمال حاکمیت باید توسط وزارت نفت باشد نه شرکت نفت. شرکت نفت تنها یک عامل اجرایی است. این خوشبختانه در برنامه پنجم آمده است که در کنار شرکت نفت دیگران هم می‌توانند در مراحل مختلف بالااست حضور داشته باشند. من خودم هم در نوشتن این ماده قانونی همکاری داشتم چون هنوز هم مشاور رییس مجلس هستم. ولی این وزارت نفت هنوز عملیاتی نکرده است که اگر شروع کند به نفع کشور است. این در واقع شرکت نفت را همگنی می‌کند. به نظرم باید شرکت نفت را خصوصی کرد و به تعداد ایرانی‌ها سهم صادر کرد تا همه سهامدار شرکت نفت شوند. آن وقت مردم اگر سهامدار باشند هر روز شرکت نفت جواب می‌خواهد که چرا درست کار نمی‌کنی؟ چرا سود کم است؟ بخش خصوصی هم به رقابتش می‌آید و معلوم می‌شود که چه کسی درست کار می‌کند.

لا ولی الآن شرکت نفت بر وزارت نفت مسئولی است. بله از اول انقلاب همین بوده است. باید یک وزیری باشد

که به وزارت‌ش حاکمیت بدهد. مشکل ساختاری‌اش با این برنامه پنجم درست شد.

لا نسبت به قانون چهارم این برنامه بهتر است یا آن؟
در برنامه چهارم صحبت این بود که شرکت نفت بهره مالکانه بگیرد که تغییر پیدا کرد.

اینکه شرکت نفت بهره مالکانه بگیرد بهتر است. نتیج‌اش این می‌شود که درآمد شرکت نفت از دولت مستقل می‌شود در آن حالت شرکت نفت، یک شرکی است که بابت کار فنی‌اش اجرت می‌گیرد. اما حالا مجلس تصویب کرده است (۱۴/۵) درصد از درآمد نفت به خود شرکت نفت اختصاص یابد. اما درخواست ما این بود که مشخص باشد چقدر از این مقدار بودجه عمرانی و برای سرمایه‌گذاری است و چقدر بودجه جاری شرکت نفت. که مشخص باشد پول‌ها چه‌شده است، اما نفتی‌ها مخالف بودند و می‌گفتند یکپارچه باشد و در نهایت تصویب نشد. وقتی تفکیک باشد مشخص می‌شود چه مقدار خرج پروژه‌ها شده و چه مقدار هزینه‌های امور جاری. این الان نیست و باید درست شود. الان سوال من این است تولید نفت‌مان که کم شده است هزینه‌ایمان هم نصف شده است؟

لا خوب همین می‌شود که نفت می‌گوید ما خرج سفر استانی کردیم.

یکی‌اش هم همین است... ولی بالاتر از آن این است که روشن می‌شود چقدر هزینه شده است. دوستانی که متخصص عدد و رقم هستند می‌گویند که هزینه‌های اجرای پروژه‌ها در همین پارس‌جنوبی حداقل دو برابر شده است. این اختیار بیش از حدی است که الان به نفت داده شده است و معلوم نمی‌شود چقدر خرج تولید نفت و گاز شده است. مشکل این است که الان، درآمد نفت و قیمت نفت بالاست یا آن‌ها را بر می‌کنند.

لا به طور متوسط در زمان آقای زنگنه با یک‌میلیارد دلار یک فاز پارس‌جنوبی راه‌اندازی می‌شد اما قیمت‌های جهانی اجرای پروژه هم بالا رفته است.

بله، ولی تورم جهانی مشخص است چقدر است. می‌شود محاسبه کرد. الان لایبور ۰۲درصد است زمانی که ما پتروشیمی بودیم سه تا چهار درصد بود. برای ایجاد رونق، اتفاقاً نرخ بهره را پایین آوردند. مگر چقدر گران شده است؟ دو برابر؟ صدرصد؟ خوب چرا این طوری می‌شود؟ اینجا ضایع است برای کشور. وقتی یک پروژه، شش ماه به تعویق می‌افتد بازگشت سرمایه‌اش تقریباً ۱۵درصد کم می‌شود. در واقع اگر دوسال تأخیر بیفتد تا ۶۷درصد بازگشت سرمایه‌اش پایین می‌آید. به طور معمول بازگشت سرمایه ۱۵درصد است. خوب این مقدار کم شود شاید پروژه اصلاً مزیت اقتصادی‌اش را از دست بدهد. این دوسال تأخیر است الان با تأخیرهای بیش از این در صنعت‌نفت مواجهیم... ادامه دارد...

تک خیر

ائتلاف متخصصان مدیریت شهری

● جمعی از متخصصان مدیریت شهری که اکثرًا از مدیران سابق شهرداری تهران هستند بنای آن را دارند با تشکیل «ائتلاف متخصصان» از نامزد منتخب خود در انتخابات چهارمین دوره شورای شهر تهران حمایت کنند. شعار این تشکل «تهران شهر زندگی» است که این شعار ناشی از این باور است که تهران می‌تواند شهری زیست‌پذیر باشد. بر اساس شنیده‌ها محمد حقانی، احمد دینمالی، سید مناف هاشمی، دکتر معصومی، مرتضی حاجی، دکتر نصیری، مجتبی قاسمی، داوود تاجران، عباس قدیری، صادق خلیلی، نادر کرمی، حسن صفاری، کاظم پوردهگدزی، وحید نوروزی، محسن عزتی، خرسندینا، حسن رباطی، غلامرضا نژاد، دکتر غفرانی، محمدحاشم مهمینی، عبدالحسین محتاجی، مصطفی افضل، خسروی، مهندس شفیع، مهندس تواهرن، عبدالکریم باربار، دکتر مراد کردی، هرندی، شیخ،ر، محمود ضرابیان، محمدرضا طالبی‌نژاد و خاتم صر اعظم نوری اعضای ائتلاف مذکور هستند.